

سخن سردبیر

پژوهش در تاریخ، ضمن آشکارسازی هویت گذشته فرد و اجتماع، همچون چراغی فروزان، حیات آینده را نیز از انوار تابانش روشن می‌کند.

تاریخ‌پژوهان با شناخت اصول و عقاید گذشتگان و یادگیری علل توفیق و یا انحطاط آنها، این توانایی را می‌یابند که امروز خود را ساخته و فردایی بهتر را ترسیم نمایند. امام علی (ع) در نامه ۴۹ نهج‌البلاغه در این رابطه فرموده‌اند که: «اگر از گذشته عبرت گیری، آنچه را مانده، حفظ خواهی نمود».

تاریخ پزشکی یکی از قدیمی‌ترین شعب تاریخ علوم به‌شمار می‌آید. از همان روزی که بشر درصدد رفع آلام خود برآمده، تاریخ طب آغاز شده و از این رو در مورد قدمت طب نمی‌توان تاریخی قائل شد، چرا که از تمدن‌های بسیار دور، اطلاعاتی دقیق در دست نداریم. آنچه به یقین می‌توان گفت این است که اولین فردی که توانسته درد را از خود و دیگران رفع نماید، اولین طبیب بشر بوده است و به همین دلیل تاریخ طب و طبیب همواره با هم توأم‌اند، هر چند که از لحاظ تعریف از یکدیگر مجزا هستند؛ تاریخ طب توصیف اصول و عقاید پزشکی و پیشرفت‌های علم طب در ادوار مختلف و به معنای کلی‌تر تاریخ تحول طب و تاریخ اطباء شرح حال زندگانی پزشکان است. آنچه در تاریخ پزشکی مشهود است این است که در طی قرون متمادی در اغلب تذکره‌ها و تواریخ، شرح حال اطباء به همراه آثار و تألیفات و عقاید آنها یک جا ذکر شده است؛ چنانکه «الفهرست» ابن ندیم، «طبقات الأطباء» ابن جلجل، «تاریخ الحکماء» قفطی، «عیون الأنباء ابن اَبی اَصیبعه» و «مطرح الأَنْظار» رکن الحکماء فیلسوف‌الدوله این‌گونه عمل نموده‌اند. در واقع تاریخ طب و اطباء و به تبع آنها تاریخ بیمارستان‌ها و گرایش‌های دیگر همچون چشم پزشکی، دندانپزشکی، داروسازی، دامپزشکی و... تا قریب یکصد سال قبل در یک جا جمع بوده و در قرن اخیر، تاریخ آنها از یکدیگر مجزا گردیده است.

تاریخ گویای این حقیقت است که، ملت‌هایی زنده مانده‌اند که ریشه‌های فرهنگی، علمی و معنوی آنها عمیق‌تر و پربارتر از بقیه ملل بوده است. سرزمین ایران از دیرباز مرکز برخورد اندیشه‌ها و مهد کهن‌ترین دانشگاه‌ها و زادگاه نامدارترین دانشمندان و

متفکران جهان بوده و همواره از پیشروان عرصه علم و دانش و ارتقاء فرهنگ بشریت به‌شمار آمده است. سرزمینی که والاترین مراحل مدنیت از جمله حکمت، فلسفه، کشورداری، پزشکی، ادب، اخلاق، عرفان، کلام، فرهنگ، تصوف، دین، توحید، الهیات، موسیقی، نجوم، هیأت، ماوراء الطبیعه، منطق، هندسه، سیاست، ریاضیات، طبیعیات، زبان و ادبیات، نحو، معماری، هنر، تاریخ، جغرافیا و بسیاری دیگر را سپری نموده تا به این نقطه برسد.

با اینکه طب در ایران، از پیشینه‌ای باستانی و جایگاهی والا برخوردار بوده و طبیبان، چه در دوران پیش از اسلام و چه در دوران پس از اسلام، عملکردی عالی داشته و در سطح جهانی نیز پیوسته پیشگام بوده‌اند، اما به نظر می‌رسد هم‌اکنون تاریخ طب، یکی از مهجورترین شاخه‌های تاریخ علم در کشور ما محسوب می‌شود. با توجه به سابقه درخشان تاریخی و فرهنگی کشور عزیزمان ایران اینک جای بسی تأسف است که شناختن نسبت به انبوه آثار مکتوب نیاکانمان بسیار اندک و ناچیز است؛ در حالی که این سرزمین از دیرباز، مهد تمدن‌های بزرگ بوده و از لحاظ علمی به ویژه علم طب، وزنه‌ای سترگ به‌شمار می‌آمده است.

صد افسوس که در این عرصه بر خود بالیدن و بهره‌مند بودن از نبوغ خدادادی و توانایی خویش‌باوری که پیامبر اکرم (ص) نیز در این باره فرموده‌اند که: «دانش اگر در ثریا هم باشد، مردانی از سرزمین پارس بدان دست خواهند یافت» هنوز در حوزه تاریخ‌نگاری و معرفت گذشته پرافتخار و تابناک علمی و فرهنگی کشور عزیزمان ایران، غافل مانده‌ایم؛ چنانکه نیاکان ما نیز بنا به دلایل ناشناخته، در ثبت و ضبط دستاوردهای خود درنگ نموده‌اند و متأسفانه این مهم به بیگانگانی سپرده شده که تنها به دنبال اهداف و سلايق خود بوده‌اند و با حسرت این حقیقت تلخ را می‌پذیریم که هم اینک نیز در معرفی گذشته پرافتخار خود همچنان در ورطه غفلت به سر می‌بریم و درصدد احیای انبوه آثار مکتوب میراثمان نیستیم. به‌راستی چرا ما از بازیافت و به‌روزگردانی آن همه سرمایه هنگفت مکتوب و آن همه کتاب و مقاله و رساله که نیاکان ما تولید و تصنیف کرده‌اند، غافل هستیم؟ مگر نه آن است که رازی در آثار خود به ویژه در کتاب «محنة الطیب» بر ضرورت اطلاع هر پزشک از تاریخ رشته تخصصی‌اش اشاره می‌نماید! همین بی‌توجهی‌ها به سرمایه معنوی ایرانیان سلف و نوشته‌های پیشگامان تولید علم کشورمان

و غفلت ما از میراث مکتوب نیاکانمان باعث شده که مطالب زیادی از آن از حافظه تاریخی ملت‌مان پاک گردد.

و چه شایسته است که فرهیختگان جامعه با روش‌های علمی و با انگیزه والا و با تکیه بر حمیت ملی، اوراق زرین تاریخ پیشینیان این مرز و بوم را ورق زده و از لابلای آن، آنچه را که ناشناخته و مکتوم مانده، بازشناسی کرده و به مردم خود و جامعه جهانی ارائه دهند تا نسل جوان و هوشمند ایرانی بدانند که نیاکان آنها از پایه‌گذاران اصلی علوم، به‌ویژه پزشکی بوده‌اند و صد البته که آنها نیز می‌توانند با تکیه بر این میراث غنی و ارزشمند، گام‌های بلندتری بردارند و همچون گذشته پرچمدار علم و دانش شوند.

در راستای نیاز روزافزون پژوهندگان و میراث‌بران تمدن اسلامی به فهم موضوعات تاریخی به‌خصوص مرتبط با حوزه تاریخ پزشکی و نیز رسالت سنگین حفظ میراث ارزشمند ایران اسلامی و ارائه یافته‌های تاریخی به مخاطبین و انتقال بخشی از میراث گذشتگان به ایشان، گروه تاریخ پزشکی مرکز تحقیقات اخلاق و حقوق پزشکی درصدد است برای رسیدن به این هدف والا با استعانت از خداوند منان انتشار فصلنامه تاریخ پزشکی را استمرار بخشد و با تأکید بر دیرینگی پزشکی ایران باستان و نیز دوران شکوفایی اسلامی و جذب محققان و دانشجویان در این عرصه گام‌های راسخ بردارد؛ با این امید که بتواند سهم سرزمین ایران و تمدن اسلامی را در رشد و بالندگی دانش پزشکی در قرون گذشته و تأثیر آن بر دانش پزشکی ترسیم نماید. سهم بزرگی که به همت دانشمندانی چون برزویه طبیب، شاپور بن سهل، ابن ماسویه، جابر بن حیان طوسی، ابن ربن طبری، رازی، ابو زید بلخی، علی بن عیسی، ابوالحسن طبری، ابن سینا، جرجانی، یعقوب بن اسحاق کندی، نجیب‌الدین سمرقندی، ابن نفیس دمشقی، ابن بیطار و... برای ما رقم خورد. هرچند بیان و ترسیم شگفتی‌های تمدن ایرانی اسلامی در همه ابعاد، آن هم در این مجال اندک، ما را از پردازش کامل آن باز می‌دارد؛ ولی به همت دانشمندان و فرهیختگان و اهل قلم و خوشه‌چینی از مقالات ارزشمند آنان به رونق آن خواهیم پرداخت.

گفتنی است آنچه از نوشته‌های گذشتگان مستفاد می‌گردد این است که طب در دوران ایران باستان از علومی بوده که توسط ایرانیان حتی قبل از بسیاری از ملل کهن،

پیشرفت کرده است. درباره قدمت این علم در ایران اطلاعاتی در دست است که حاکی از توانمندی ایرانیان در درمان بیماران و به کار بردن داروها می‌باشد.

پس از ظهور اسلام نیز به سبب توسعه تمدن اسلامی و جذب بسیاری از دانشمندان به آن مکتب پویا و اصیل و متأثر شدن ایشان از توجه بیکران اسلام به دانش و دانش پژوهی و توسعه زبان عربی که زبان رسمی دین اسلام به شمار می‌آمد، منجر به این شد که تألیفات و نوشته‌های اغلب دانشمندان به زبان عربی نگاشته شود. علم طب نیز که از نخستین دانش‌های مورد حمایت اسلام به شمار می‌رفت و اهمیت آن به اندازه‌ای بود که علم ابدان در ردیف علم ادیان شمرده می‌شد، از این قاعده مستثنی نبود، و این امر موجب گردید که برخی از تذکره‌نویسان و مورخان، همه آثار ارزشمند تمدن اسلامی را به حساب اعراب بیاورند و آثار علمی ملل دیگر را عربی بپندارند. در صورتی که حقیقت این‌گونه نبود.

کوتاه سخن اینکه در راستای تقویت و توسعه این حرکت اصیل و ارزشمند، هیأت تحریریه فصلنامه اقدام به دعوت از دانشمندان، صاحب‌نظران و محققان جهان اعم از کشورهای اسلامی و عربی و دیگر ملل در این حوزه جهت هم‌اندیشی با ایشان و نیز تألیف و تدوین مقالات علمی و تاریخی در این زمینه نموده‌اند تا بار دیگر پیشتازی کشورهای اسلامی و ملل متمدن از جمله ایران و نقش‌آفرینی آنها در توسعه علم، به‌خصوص دانش پزشکی برای جهانیان آشکار گردد؛ از این رو علاوه بر انتشار فصلنامه به زبان‌های فارسی، فرانسه، عربی و انگلیسی جهت استفاده جهانیان، سعی بر آن است که در هر شماره از فصلنامه، مقاله‌ای از مقالات ارسال شده از کشورهای عربی و اسلامی و نیز کشورهای غربی، پس از ترجمه آنها به زبان فارسی درج گردد؛ چنان که در مواقعی نیز برای آشنا نمودن مخاطبین ایرانی از سطح علمی و محتوای مقالات دانشمندان غیرایرانی که در حوزه تاریخ پزشکی ایران و اسلام بوده و در مجلات معتبر علمی به چاپ رسیده اقدام به ترجمه آنها نیز شده است. باشد که با این اقدام گامی هر چند کوچک در راه احیای فرهنگ و تمدن ایران اسلامی، از جمله تاریخ پزشکی و میراث مکتوب عظیم آن برداریم.